

نگاه ۱ → عباس تقی پوره

استاد و دغدغه‌ای به نام عدم تعامل مناسب میان روابط عمومی‌ها

با هر محاسبه‌ای استاد میرسعید قاضی، از مفاخر نسل اول روابط عمومی ایران محسوب می‌شود. حدود ۴۵ سال است که در تئوری و در عمل با روابط عمومی زندگی کرده است. تاریخ روابط عمومی ایران را خوب می‌داند و در شکل‌گیری‌اش نقش و سهم بسزا داشته است. هم تالیف داشته و هم ترجمه. «تئوری و عمل در روابط عمومی و ارتباطات» آموزش گام به گام روابط عمومی است که پس از گذشت سال‌ها از انتشارش هنوز کارآمد و برجسته است. سخنرانی‌های صریح و بی‌پرده استاد در مورد اهمیت روابط عمومی و لزوم توجه به افکار عمومی در فرآیند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های سازمانی همواره یازند بوده… و بعدا است کسی در فضای روابط عمومی تنفس کند و با این ویژگی‌های استاد آشنا نباشد اما به نظر من در سال‌های اخیر یکی از دغدغه‌های پیر روابط عمومی ایران بیشتر شده است.

حدود سه سال پیش یک روز کاری کامل را در خدمت استاد و پروفوسر یحیی کمالی‌پور بودم. فرصتی دست داده بود که به همراه متن به حاشیه‌های روابط عمومی ایران نیز اشاره شود. از جمله توصیه می‌کردند که بچه‌های روابط عمومی در ایران به شدت نیازمند فراگیری زبان انگلیسی هستند تا بتوانند سطح خود را ارتقا دهند یا در مورد نحوه انتصاب برخی از مدیران روابط عمومی دیدگاه‌هایی ارائه می‌کردند و گله‌هایی داشتند و… در این میان، احاطه کامل ایشان به نحوه تعامل انجمن‌ها و تشکلات حرفه‌ای روابط عمومی در ایران برایم جالب بود. از هیچ چیزی بی‌خبر نبودندا و ریز و درشت فعالیت‌ها را رصد کرده بودند. راضی نبودند. به‌رغم اذعان به حرکت‌ها و جریان‌سازی‌های مثبت تشکل‌ها و فعالان روابط عمومی از طریق برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های آموزشی، از عدم ارتباطات حرفه‌ای آنها با هم گله داشتند. از اینکه حرفه‌ای‌های این حوزه همدیگر را تکذیب کنند، هراس داشتند و تمرکز انرژی و ظرفیت‌ها را راحل مناسبی برای جهش این دانش، هنر و صنعت ارزیابی می‌کردند.

موارد مورد اشاره استاد بدون کم و کاست به تایید پروفوسر کمالی‌پور نیز رسید. جالب بود. استاد میرسعید قاضی و پروفوسر کمالی‌پور که یکی در ایران و دیگری در امریکا زندگی می‌کنند، هر دو دغدغه عدم تعامل مناسب میان روابط عمومی‌ها را داشتند؛ موضوعی که در یکی از کنفرانس‌ها از چشم دکتر یونس شکرخواه هم پنهان نماند و گفت روابط عمومی‌ها در ایران نیازمند روابط عمومی هستند!

بر ما به عنوان نسل جدید فعالان روابط عمومی در ایران است که دغدغه‌های استاد را کاهش دهیم. بدانیم دغدغه ایشان، فردی نیست و جمعی است. به نفع‌مان است.

♦دبیرهمایش روابط عمومی الکترونیک و مدیرمسوول ماهنامه مدیریت ارتباطات

→ **پایان‌ش** ← هوشنگ عباس‌زاده

بالندگی حرفه روابط عمومی اندیشه و عمل استاد

سال‌ها قبل و در زمان تاسیس دانشکده علوم ارتباطات در سال ۱۳۴۶، دو استاد عالی‌مقام، مرحوم حمید نطقی و سپس مرحوم عماد افشار، به رانندازی و تاسیس رشته تحصیلی روابط عمومی در مقطع کارشناسی پرداختند و یک نفر از دانشجویان سال‌های ابتدایی تاسیس این رشته نیز در آن سال‌ها علی میرسعیدقاضی بود که از سال ۱۳۵۱ به بعد به عنوان یکی از اساتید این رشته به جمع اساتید سابق پیوست و می‌توان ادعا کرد این سه استاد با علاقه و اشتیاق فراوان توانستند دروس تخصصی رشته روابط عمومی را به دانشجویان درس داده و راهنمای آنان در مباحث علمی مختلف باشند که اینجابن نیز دوره کارشناسی روابط عمومی را در محضر آنان گذراندم و خوشحالم که در آن زمان فرصتی دست داد تا در خدمت آن اساتید بزرگ باشم. استاد میرسعید قاضی همراه با تدریس، کتاب‌های مختلفی را نیز در حوزه روابط عمومی تالیف و ترجمه کرد و همراه با آن مقالات و مطالبی را نیز در نشریات تخصصی روابط عمومی به رشته تحریر درآورد و در کنار آن در همایش‌های ملی و بین‌المللی روابط عمومی هم شرکت کرد اما آنچه در این بین مهم است نه خود این فعالیت‌ها که علاقه وافر ایشان به حوزه روابط عمومی است که به آن فعالیت‌ها معنا و مفهوم می‌بخشید. به باور من وجود ایشان فرصت گرانبها و ارزشمندی است که جامعه علوم ارتباطات به طور عام و روابط عمومی به طور خاص می‌تواند از آن بهره لازم را برده و به راحتی از کنار آن نگذرد. علاوه بر اینها صفات و سجایای اخلاقی و انسانی استاد میرسعید قاضی هم مثال‌زنی است؛به طوری که همواره و در جلسات و محافل علمی- آموزشی که ایشان در آن حضور داشته و دارند،می‌توان این ویژگی مهم را درک کرد. من به سهم خودم از اینکه دوست و همکار خوبی همچون استاد میرسعید قاضی دارم بسیار خوشحال و خوشوقتم و امیدوارم عمر وی همچنان پایدار و پابرجا باشد و جامعه علمی و پژوهشی کشور بتواند همچنان از وجود وی و فعالیت‌هایش بهره‌مند باشد. نکته دیگر اینکه میرسعید قاضی همواره به نهادهایی شدن رشته روابط عمومی و وظایف و فعالیت‌های آن به عنوان یک کارکرد علمی، پژوهشی و عملیاتی دقت نظر دارد و خواستار آن است که این حرفه که از عمر آن بیش از پنجاه و اندی سال می‌گذرد و هنوز به دلایل گوناگون به تکامل لازم نرسیده است، هر چه زودتر در نظام مدیریتی کشور نقش بسزای خود را ایفا کرده و به عنوان یک حرفه در سطوح عالی سازمان‌ها و موسسات دولتی و غیردولتی جایگاه شایسته و بایسته خود را به دست آورد و در نهایت روابط عمومی بتواند در اداره سازمان‌ها و موسسات نقش آفرینی لازم را داشته باشد. برای استاد که زحمات و مشقات فراوانی را برای احیا و تعالی و بالندگی رشته و فن روابط عمومی در کشور متحمل شده است آرزوی موفقیت دارم و فکر می‌کنم باید قدر وی را بسیار بیش از آنچه تاکنون دانسته شده است، دانست.

♦عضو هیات علمی گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

→ **نگاه ۲** → حامدرضا اسماعیلی

معلمی دوست‌داشتنی و متمایز

بر اساس اصول و آداب تشریفات معمولاً برای تقدیر و تشکر از افراد و شخصیت‌ها، رشت‌های از کلمات زیبا و چشم‌نواز در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا با ترکیب موثر ذهن و روح مخاطب را مجذوب سازد اما در مورد برخی از افراد این واژه‌های پرمعنا نیز قادر به توصیف نیستند، از جمله این افراد استاد علی میرسعیدقاضی است که به واقع عضوی است از جمله ماندگاران ایران‌زمین. پیدایش و شکل‌گیری روابط عمومی در ایران با فراز و نشیب‌های خاص خود که در مقاطعی از زمان با بی‌توجهی و بی‌مهری متولیان در دو حوزه سازمانی و دانشگاهی روبه‌رو بوده مقارن با بیش از نیم قرن تلاش و کوشش مستمر و بی‌وقفه استاد قاضی که با امید به آینده مسیر صفت و سنگین توسعه و اعتلای روابط عمومی ایران را برای اهالی این رشته هموار ساخته است.

شیوه‌های رفتاری استاد قاضی در طول سالیان دور و دراز تدریس در یاد و خاطر دانش‌آموختگان ارتباطات باقی است؛ توانایی علمی، دلسوزی، مثبت‌اندیشی، صبر و حوصله و تاکید بر توانایی دانشجویان روابط عمومی از جمله صفات شخصیتی استاد قاضی است که او را در نظر دانشجویانش معلمی دوست‌داشتنی و متمایز از دیگران معرفی می‌کند.

در حوزه کاربردی نیز به سبب وجود مشکلات اساسی و بی‌پایانی که کارشناسان روابط عمومی همچنان با آن درگیر هستند، بسیاری از دانش‌آموختگان، تحمل شرایط موجود را نداشتند و تنها تعداد محدودی از دوستداران روابط عمومی با تلاش و زحمت فراوان بار سنگین توسعه و اعتلای روابط عمومی را به دوش کشیدند. استاد علی میرسعیدقاضی در این شرایط با تشویق و حمایت‌های همه‌جانبه و با تکیه بی‌طرفانه همراه و همیار بی‌ادعای متولیان و کارشناسان این حرفه بوده و هست.

♦نویسنده کتاب مشترک «مخاطب‌شناسی» با استاد

۱۲ ماندگاران



◀امیرابیم عبدالله‌زاده Abdollahi59@yahoo.com

روزی از روزهای زمستان سال ۱۳۷۹ را به خاطر می‌آورم که دانشجوی سال سوم روابط عمومی بودم و در کلاس ۲۰۳ دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، سر کلاس درس از ارتباطات شفاهی نشسته بودم و منتظر ورود استاد. شنیده بودم که استاد این درس، نویسنده و مترجم چندین کتاب و مقاله و از پیشکسوتان کوشای رشته روابط عمومی در ایران و از شاگردان و همکاران دکتر کاظم معتمدنژاد، دکتر حمید نطقی، استاد حسین عمادافشار، حمید مصدق و مهندس پرویز دبیبای بوده است. با ورود استاد به کلاس و شروع صحبت‌هایش، تمام آن شنیده‌ها رنگ واقعیت به خود گرفت و این‌گونه بود که با استاد علی میرسعیدقاضی آشنا شدم. استاد در جلسات این درس، از خاطراتش، از دیدارش با کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل متحد و همسرش، از زنده‌یاد حمید مصدق و جلسات شعرخوانی‌اش، از استاد حسین عمادافشار، از سیروس علی‌نژاد و نبوغ روزنامه‌نگاری‌اش، از دوران تحصیل در اروپا، از دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی پیش از انقلاب و همکلاسی‌های مشهورش، از ارتباطات انسانی، شیوه‌های سخنرانی و خیلی چیزهای دیگر سخن گفت و ما نیز مشتاقانه به سخنان جذاب این استاد قبدلبدن و خوش صحبت گوش می‌سپردیم. گفت: این ترم، آخرین ترمی است که به دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی می‌آیم و در آستانه بازنشستگی هستم. گویا ناراحتی قلبی هم داشتم… سال‌ها از آن روزهای می‌گذرد واینک با یادی از آن روزها و آرزوی تندرستی برای استاد، نگاهی کوتاه می‌اندازیم به کارنامه و دیدگاه‌های استاد علی میرسعیدقاضی استاد فعال، پرکار و خوشنام فعالان این رشته درباره او.

■ از علوم تربیتی و روانشناسی تا روزنامه‌نگاری و روابط عمومی

علی میرسعیدقاضی سال ۱۳۲۲ دیده به جهان گشود. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به دانشکده افسری رفت و در آنجا روانشناسی اجتماعی خواند. سپس به دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران رفت و با دریافت فوق‌لیسانس در رشته علوم تربیتی، دانش‌آموخته شد. او، خود به یاد می‌آورد که در این دوره با اسیدمحمد خاتمی و علی‌اکبر ناطق نوری هم‌دوره بوده است. پس از کسب این آموزش‌هاست که وی به دانشکده علوم ارتباطات می‌رود و در زمره نخستین دانش‌آموختگان این دانشکده، در رشته روزنامه‌نگاری لیسانس می‌گیرد. سپس برای تحصیلات تکمیلی در زمینه روابط عمومی به انگلستان و در ادامه به فرانسه رفت و با کوله‌باری از امید و آموخته‌های علمی و تجربی به ایران برگشت. ناگفته نماند که در خانواده استاد، افراد موفق و نامداری وجود دارند و یکی از برادرهای ایشان و نیز یکی از فرزندان‌شان، از پزشکان متخصص و برجسته کشور هستند.

■ اجرای نخستین پژوهش روابط عمومی در ایران

میرسعیدقاضی با اجرای نخستین پژوهش بر روی روابط عمومی در ایران، نتایج آن را در جزوه‌ای به نام «روابط عمومی ایران» در سال ۱۳۵۰ توسط دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی منتشر کرد. خود وی در این باره می‌گوید: «این جزوه حاصل اولین کار تحقیقی بر روی روابط عمومی در ایران است که بین سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۰ توسط گروهی از دانشجویان و علاقمندان به روابط عمومی در تهران به عمل آمد»

■ نگارش کتاب و مقاله و آموزش در دانشگاه‌ها و دوره‌های کوتاه‌مدت
کوشش‌های علمی استاد با تدریس در دانشگاه‌های مختلف ادامه یافت. طی سال‌های بعد، وی در گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی، به تدریس دروس روابط عمومی مشغول شد. حضور در دوره‌های کوتاه‌مدت و سخنرانی‌های

سال پنجم ■ شماره ۱۰۸۲ ■ یکشنبه ۱۸ مهر ۱۳۸۹

نگاه کوتاهی به دیدگاه‌ها و کارنامه استاد پیشکسوت روابط عمومی علی میرسعیدقاضی

چهار دهه آموزش، پژوهش و نهادسازی برای هنر هشتم

آموزشی روابط عمومی به عنوان مدرس، وی را در شمار یکی از پرکارترین چهره‌های روابط عمومی ایران در سال‌های پس از انقلاب درآورد. فعالان و دست‌اندرکاران روابط عمومی در سال‌های پس از انقلاب، از وی به عنوان یکی از فعال‌ترین افراد این عرصه نام می‌برند که با نگارش کتاب‌های چندگانه‌ای که هنوز هم پس از سال‌ها، از منابع درجه یک و پرتیراژ روابط عمومی هستند، توانست متون پایه و مورد نیاز برای آموزش هنر هشتم را در ایران فراهم آورد. نگارش کتاب‌های «تئوری و عمل در روابط عمومی و ارتباطات»، «درسنامه روابط عمومی»، «زبان انگلیسی تخصصی روابط عمومی و ارتباطات»، «با همکاری امیرهوشنگ عباس‌زاده»، «مخاطب‌شناسی» (با همکاری حامدرضا اسماعیلی)، «فرهنگ انگلیسی به فارسی روابط عمومی و ارتباطات»، «روابط عمومی کاربردی» و «روابط عمومی در چهارده گفتار» (با همکاری دیگر مولفان)، و نیز مقالات فراوان دیگری که در مجلات تخصصی روابط عمومی و ارتباطات همچون رسانه، هنر هشتم، تحقیقات روابط عمومی، روابط عمومی، ارتباط، تبلیغ و… به چاپ رسیده‌اند، از فعالیت‌های ماندگار میرسعیدقاضی است.آزفون بر اینها، وی یکی از کسانی است که از سال‌های میانی دهه ۶۰ تاکنون، نام وی با آموزش روابط عمومی در ایران عجین شده است. به گونه‌ای که بیشتر مدیران و کارشناسان روابط عمومی، حضور استاد در سخنرانی‌های آموزشی و دوره‌های کوتاه‌مدت را به خاطر می‌آورند که چراغ هنر هشتم را در این سرزمین روشن نگاه داشت.

■ ترجمه‌های میرسعیدقاضی
تسلط میرسعیدقاضی به زبان انگلیسی، باعث شد وی مدتی با دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران همکاری داشته باشد و چند کتاب را برای این دفتر ترجمه کند. «کلاهای‌ها- نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد»، «راهنمای اطلاعاتی سازمان ملل متحد» و «فوسازی سازمان ملل، برنامه‌ای برای بازسازی»، کتاب‌هایی هستند که با ترجمه علی میرسعیدقاضی توسط دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران منتشر شده‌اند. البته ترجمه‌های وی محدود به همین چند کتاب نیست بلکه به این لیست می‌توان کتاب‌های دیگری را هم اضافه کرد که توسط ناشرهای مختلف به چاپ رسیده‌اند. «زندگینامه دبیر کل‌های سازمان ملل و فعالیت‌های سیاسی آنها»، «منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس: تجاری- سیاسی، از ابتدا تا پایان قرن ۱۸» و «سند چهارمین کنفرانس جهانی زن (کار پایه عمل) و اعلامیه پکن» از جمله این کتاب‌ها هستند.

یکی از خاطرات من از استاد میرسعیدقاضی، خاطره‌ای است که وی درباره دیدارش با کوفی عنان دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد تعریف کرد. وی گفت: «در سفر کوفی عنان به تهران، با وی دیداری داشتم که با توجه به ترجمه کتاب زندگینامه دبیرکل‌های سازمان ملل و فعالیت‌های سیاسی آنها، اطلاعات زیادی درباره او داشتم. پس از ذکر بعضی از آنها برای کوفی عنان در این دیدار، نانه عنان همسر دبیرکل سازمان ملل متحد که شاهد این گفت‌وگو بود، با تعجب و هیجان فراوان رو به همسرش کرد و گفت: کوفی، این مرد همه چیز را درباره ما می‌داند!»

■ نهادسازی برای روابط عمومی
نهادسازی برای روابط عمومی در سال‌های پس از انقلاب، یکی از دغدغه‌های میرسعیدقاضی بوده است. نگاه آینده‌نگر و نیز روحیه مشارکت‌جو میرسعیدقاضی، وی را در شمار کسانی قرار داد که کوشش فراوانی برای ایجاد و گسترش نهادهای غیردولتی در عرصه روابط عمومی کرده‌اند.نقش ممتاز وی در احیای انجمن روابط عمومی ایران در سال‌های آغازین دهه ۷۰، شکل‌گیری انجمن متخصصان روابط عمومی ایران در سال‌های پایانی دهه ۷۰، دبیرخانه دائمی همایش روابط عمومی الکترونیک در سال‌های اخیر و نیز مشاوره‌های وی برای انتشار هر نشریه و مجله جدیدی در این حوزه، در تاریخ هنر هشتم در

۱- تئوری و عمل در روابط عمومی و ارتباطات؛ انتشارات مبتکران
۲- زبان انگلیسی تخصصی روابط عمومی و ارتباطات (با همکاری هوشنگ عباس‌زاده)، نشر علوم نوین
۳- مخاطب‌شناسی (با همکاری حامد اسماعیلی)، نشر آن
۴- فرهنگ انگلیسی به فارسی روابط عمومی و ارتباطات؛ ناشر آرون
۵- روابط عمومی ایران (جزوه)، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی



۱- روابط عمومی کاربردی؛ مرکز سنجش و آموزش کشور	۶- روابط عمومی کاربردی؛ مرکز سنجش و آموزش کشور
۷- روابط عمومی در چهارده گفتار (با همکاری دیگران)؛ اداره کل تبلیغات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی	۳- نوسازی سازمان ملل: برنامه‌ای برای بازسازی؛ دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران
۸- زندگینامه دبیر کل‌های سازمان ملل و فعالیت‌های سیاسی آنها؛ انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه	۴- درس‌نامه روابط عمومی (با همکاری سیدمحمود خاموشی)؛ انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۹- کلاهای‌ها- نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد؛ اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل متحد	۵- سند چهارمین کنفرانس جهانی زن (کار پایه عمل) و اعلامیه پکن (با همکاری علی آرین)؛ دفتر امور زنان در نهاد ریاست‌جمهوری
۱۰- کلاهای‌ها- نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد؛ اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل متحد	۶- منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس: تجاری- سیاسی؛ از ابتدا تا پایان قرن ۱۸؛ انتشارات زرین

ایشان به این شرح است: «به نام خدا، خوشحالم که مدیر از آن آگاه شود و برنامه‌های ارتباطی متناسب با آن باشند. اکنون در جهان، روابط عمومی پیشگام آمد. استاد قاضی نه‌تنها یک استاد وارسته و پیشگام در نوشتن و ترجمه کتاب‌های درسی، بلکه یک الگوی بسیار متین در عرصه روابط عمومی است. ایشان به آنچه می‌نویسد و می‌آموزد عمل می‌کند و به گفته دیگر، در «کار نیکو کردن از پر کردن است» پیشتاز است. من از اینکه سعادت داشته‌ام که با این انسان فرهیخته، فروتن و دوست نمونه از نزدیک آشنا و همکاری داشته باشم بسیار خوشحالم و از صمیم قلب به استاد میرسعیدقاضی، خانواده ایشان و روابط عمومی‌های کشور عزیزم ایران، تبریک و تهنیت می‌گویم. امیدوارم این نوع تجلیل‌ها ادامه پیدا کند و نه‌تنها مشوقی باشد برای جوانان و فعالان عرصه ارتباطات و روابط عمومی، بلکه عاملی باشد برای گسترش و نهانیده شدن علمی این رشته‌های بسیار اساسی و مهم در ایران. با آرزوی موفقیت و تندرستی - یحیی کمالی‌پور»
استاد میرسعیدقاضی در سال ۱۳۸۵ و پس از عمل جراحی قلب، به توصیه پزشکان از کار تدریس کناره‌گیری کرد و این روزها در زادگاهش طالقان به استراحت و مطالعه و پژوهش مشغول است. عمرش دراز باد.

♦در نگارش این گزارش، از گفت‌وگوهای استاد علی میرسعیدقاضی با برخی از سایت‌های اینترنتی و نیز گفت‌وگو با آقای عبدالله اسکویی(دانش‌آموخته رشته روابط عمومی و از دوستان و شاگردان استاد میرسعیدقاضی ومدیرکل کنونی روابط عمومی شرکت آب ایران) بهره گرفته‌ام.

میلیون انسان عجول و شتابزده بدون اینکه از مناظر زیبای طبیعت از سایر نقاط لذت ببرند در این شهر عجیب زندگی می‌کنند. در واقع بشر هر روز کره زمین خسته و فرسوده را خسته‌تر و فرسوده‌تر می‌کند و این روند تا زمانی پیش خواهد رفت که تمامی عوامل حیات از کره زمین رخت بر بسته و بشر خود نیز در لیست نابودی قرار گیرد. دغدغه دیگرم حفظ سلامتی شخصی تک‌تک ایرانیان است. از آنجایی که جامعه ما فاقد معیارهای تغذیه‌اش تغییر کرده است. ما که خود باید در یک چنین شرایطی، با خودمان مهربان‌تر باشیم هم به جسم‌مان بد می‌کنیم و سلامتی‌مان را با انواع فشارهای عصبی، تغذیه نامناسب و عدم تحرک کافی از بین می‌بریم و هر روز بیماری‌های قلبی عروقی، سرطان، آلزایمر، پارکینسون و ام‌اس بیش‌تر ما را دربر می‌گیرد. از همین رو بر این باورم که هر فرد شخصاً باید به سلامت جسمی و روانی‌اش بیش از پیش توجه کرده و مسوولیت آن را به گردن هیچ کس از جمله دولت نیندازد.

ترجمه می‌کنم زیرا لذت می‌برم که در اتاق کارم بنشینم و چند کتاب جلوم باشد و من بنویسم و تنها در این صورت است که فکر می‌کنم در بهشت زندگی می‌کنم حتی اگر این موقعیت در اتاق کوچکم در طالقان باشد. از سوی دیگر ترجمه حس بسیار خوبی به من می‌دهد و خوشحال می‌شوم اگر بتوانم یک متن انگلیسی مفید را جامه شیرین فارسی به تنش بکند و آن را به مخاطبان عرضه کنم و این را با هیچ چیز در دنیا عوض نمی‌کنم.

-به عنوان پرسش پایانی، مهم‌ترین دغدغه شما در این روزها و ماه‌های اخیر چه بوده است؟ آیا برای دغدغه‌های خود، راه راه‌بی و خروج از وضعیت ناگوارش می‌بینید؟
یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های امروز من رفتار بی‌حرحانه ما با محیط زیست‌مان است به نحوی که شدت تخریبی که ما به محیط زیست وارد می‌کنیم بسیار بیشتر از قدرت ترمیم‌پذیری آن است. به تهران خودمان نگاه کنید: هم‌ره ۱۴